



جمهوری اسلامی ایران

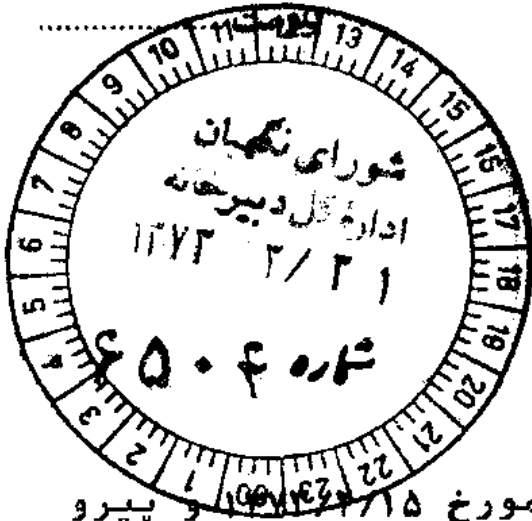
مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۲۹۸۵ ر ق

تاریخ ۳۱ ۳ ۷۳

بیت



شورای محترم نگهبان

عطف به نامه شماره ۶۱۹۶ مورخ ۱۳۷۳/۱/۱۵ و پیرو

نامه شماره ۲۵۹۰-ق مورخ ۱۳۷۳/۱/۲۹ لایحه شماره ۴۸۸۸/ل/۳۰

مورخ ۱۳۶۸/۵/۱ دولت در خصوص تشکیل دادگاههای عام که

در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۷۳/۳/۲۵ مجلس شورای

اسلامی با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب رسیده است در

اجرای اصل نود و چهارم قانون اساسی جهت بررسی و

اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می گردد.

علی اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

۷۳،۳،۳۱



جمهوری اسلامی ایران

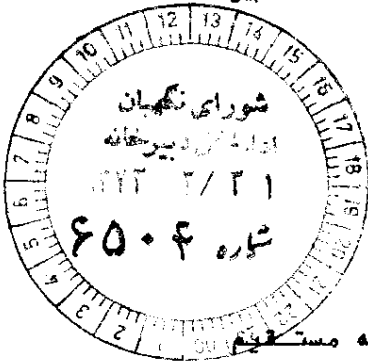
مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۵/۲۹۸ ق

تاریخ ۲۱/۲/۷۵

پیوست



بجسلی

لایحه تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب

- ماده ۱- به منظور رسیدگی وحلی و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضائی واحد، دادگاههای با صلاحیت عام به شرح مواد آتی تشکیل میشوند.
- ماده ۲- تاسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضائی و تعیین قلمرو محلی و تعداد شعب دادگاههای مزبور به تشخیص رئیس قوه قضائیه است.
- ماده ۳- با تاسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضائی رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزائی و امور حسبیه بالحفاظ قلمرو محلی با دادگاههای مزبور خواهد بود.
- تبصره ۱- حوزه قضائی عبارتست از قلمرو یک بخش یا شهرستان و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ.
- تبصره ۲- رسیدگی به اموری که به حکم قانون به مرجع دیگری واگذار شده از دائره شمول این قانون خارج است.
- تبصره ۳- حاکم دادگاه عمومی در دعاوی راجع به اطل نکاح و طلاق در صورتی صلاحیت رسیدگی دارد که اجازه مخصوص از طرف رئیس قوه قضائیه داشته باشد.
- ماده ۴- به رئیس قوه قضائیه اختیار داده میشود در هر حوزه قضائی که لازم باشد بالحفاظ نوع دعاوی و تجربه و تبحر قضات هریک از قضات دادگاه عمومی را به رسیدگی به دعاوی: حقوقی، کیفری، احوال شخصیه و امثال آن اختصاص دهد.
- ماده ۵- به تعداد مورد نیاز دادگاههای انقلاب، در مرکز هر استان و مناطقی که ضرورت تشکیل آنها رئیس قوه قضائیه تشخیص میدهد تحت نظارت و ریاست اداری حوزه قضائی تشکیل میگردد، و به جرائم ذیل رسیدگی مینماید:
- ۱- کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض.
 - ۲- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری.
 - ۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۲۹۸۸/ق

تاریخ ۳۰/۳/۷۴

پیوست

بجسالی

- ۲ -

- ترور تخریب موسسات بمنظور مقابله با نظام .
- ۴- جاسوسی به نفع اجانب .
- ۵- کلیه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر.
- ۶- دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی .
- ماده ۶ - طرفین دعوا در صورت توافق میتوانند برای اطلاق حق و فعل خصومت، به قاضی تحکیم مراجعه نمایند.
- ماده ۷- احکام دادگاههای عمومی و انقلاب قطعی است مگر در مواردی که در این قانون لایحی نقلی و تجدیدنظر پیشبینی شده است .
- ماده ۸- قضات دادگاههای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و حکم قضیه مطروحه را صادر نمایند .
- ماده ۹- قرارها و احکام دادگاهها باید مستدل بوده و مستند به قانون یا شرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است. تظلم از این امر و انشاء رای بدون استناد موجب محکومیت انتظامی خواهد بود.
- ماده ۱۰- هر حوزه قضایی به تعداد لازم شعبه دادگاه، قضایی تحقیق، دفتر دادگاه، واحد ابلاغ و اجراء احکام و در صورت لزوم یک واحد ارشاد و معاضدت قضایی خواهد داشت و در صورت تعدد شعب دارای یک دفترکل نیز خواهد بود.
- تبصره - ترتیب تشکیل این واحدها، تعداد اعضاء هر واحد، طریق انتخاب و شرایط آن، میزان صلاحیت و اختیار هر واحد یا هر یک از اعضاء آن و نحوه اقدامات و تصمیمگیریها به موجب آئیننامه‌ای است که به پیشنهاد و تهیه وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.
- ماده ۱۱- رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی در هر حوزه قضایی، رئیس حوزه قضایی است و با تصویب رئیس قوه قضائیه میتواند به تعداد لازم معاون داشته باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پیوست

بخش اول

- ۲ -

ماده ۱۲- رئیس حوزه قضائی هر شهرستان به عنوان رئیس دادگستری آن شهرستان بر کلیه دادگاههای عمومی و انقلاب نظارت و ریاست اداری دارد و همچنین رئیس دادگستری شهرستان مرکز استان نظارت و ریاست اداری بر امور دادگستریهای شهرستانهای حوزه آن استان را خواهد داشت .

تبصره - امور حسبه و کلیه اختیاراتی که در سایر قوانین معهوده دادستان عمومی بوده به جز اختیاراتی که به موجب این قانون به روسای محاکم تفویض شده است به رئیس دادگستری شهرستان و استان محول میشود .

ماده ۱۳- نیروی انتظامی هر حوزه قضائی اعم از بخش یا شهرستان در مقام ضابط دادگستری تحت ریاست و نظارت رئیس همان حوزه انجام وظیفه نموده و مکلف به اجرای دستورات مقام قضائی میباشد .

ماده ۱۴- دادگاههای عمومی با حضور رئیس شعبه یا دادرس علیالبدل تشکیل میشود و تمامی اقدامات و تحقیقات ضروری از بدو تا ختم قضیه وسیله حاکم دادگاه صورت خواهد گرفت همچنین اظهارنظر قضائی و انشاء رای با او است .

تبصره ۱- رعایت دستوراین ماده مانع از آن نیست که بالحفاظ موازین شرع و قانون پاره‌ای از اقدامات و تحقیقات و تصمیمات به دستور و زیرنظر حاکم دادگاه وسیله قضات تحقیق بعمل آید یا بعضی از اقدامات و تحقیقات به همین ترتیب توسط ضابطین دادگستری یا مراجع ذیصلاح دیگر انجام شود .

تبصره ۲- هرگاه تحقیق یا اقدامی درحوزه دادگاه دیگری لازم باشد یا اطلاعاتی ازحوزه قضائی آن دادگاه باید جمع آوری شود دادگاه رسیدگی کننده میتواند با اعطاء نیابت قضائی از دادگاه آن حوزه انجام آن تحقیقات و اقدامات یا جمع آوری اطلاعات را بخواهد .

ماده ۱۵- قضات تحقیق تحت نظارت قضات دادگاههای حوزه قضائی معهوده دار انجام کلیه اموری هستند که درجریان تعقیب و

تعالی

- ۴ -

رسیدگی و اجرا به آنان ارجاع میشود.

ماده ۱۶- ترتیب رسیدگی در دادگاهها طبق مقررات مزبور در آئین دادرسی مربوط به دادگاهها خواهد بود.
ماده ۱۷- قاضی دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی طرف یکمخته مکلف به انشاء رای میباشد.

ماده ۱۸- آراء دادگاههای عمومی و انقلاب اعم از حکم یا قرار در موارد مذکور در مواد آتیه قابل تجدید نظر میباشد.
۱- قاضی صادرکننده رای متوجه اشتباه رای خود شود.
۲- قاضی دیگری پی به اشتباه رای صادره ببرد بنحوی که اگر به قاضی صادرکننده رای تذکر دهد متنبه گردد.
۳- ثابت شود قاضی صادر کننده رای صلاحیت رسیدگی و انشاء رای را نداشته است.

تبصره - در مورد بندهای ۱ و ۲ مرجع تجدیدنظر رای را نقض و رسیدگی مینماید و در مورد بند ۳ مرجع تجدیدنظر بدوا به اصل ادعای عدم صلاحیت رسیدگی و در صورت احراز، رسیدگی مجدد را انجام خواهد داد.

ماده ۱۹- آرای زیر نیز قابل تجدیدنظر میباشد تا چنانچه مرجع تجدیدنظر پس از رسیدگی پی به اشتباه بین حکم و یا عدم صلاحیت دادگاه ببرد رای را نقض و رسیدگی مجدد نماید.

الف - احکام :

- ۱- اعدام و رجم .
- ۲- حدود ، قصاص نفس و اطراف .
- ۳- مصادره و ضبط اموال .
- ۴- دیه بیش از خمس دیه کامل .
- ۵- در صورتیکه حداکثر مجازات قانونی جرم بیش از ۶ ماه حبس یا شلاق یا بیش از یک میلیون ریال جزای نقدی باشد.
- ۶- حکمی که خواسته آن از یک میلیون ریال متجاوز باشد.
- ۷- حکمی که مستند به اقرار خواننده در دادگاه نباشد.

تعالیه

- ۵ -

- ۸- حکمی که مستند به رای یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتبا رای آنان را قاطع دعوی قرار داده باشند، نباشد.
- ۹- حکم راجع به متفرعات دعوی در صورتیکه حکم راجع به اصل دعوی قابل تجدیدنظر باشد.
- ۱۰- حکم راجع به نکاح و طلاق و فسخ نکاح و مهر.
- ۱۱- حکم راجع به نسب و وصیت و وصایت و وقف و ثلث و حبس و تولیت.
- ۱۲- حکم راجع به حجر و رفع حجر.

- ب- قرارهای زیر در صورتیکه حکم راجع به اصل دعوی قابل تجدیدنظر باشد :
- ۱- قرار ابطال دادخواست یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شود.
- ۲- قرار رد دعوی یا عدم استماع دعوی .
- ۳- قرار سقوط دعوی .
- ۴- قرار عدم اهلیت یکی از طرفین دعوی .

تبصره ۱- احکامی که در مرحله تجدیدنظر صادر میشود ، "بجز در خصوص رای اصراری" قابل تجدیدنظر مجدد نیست .

تبصره ۲- در موارد مذکور در این ماده در صورتیکه طرفین دعوا کتبا حق تجدیدنظر خواهی خود را ساقط کرده باشند تقاضای تجدیدنظر خواهی آنان مسموع نیست .

ماده ۲۰- بمنظور تجدیدنظر در آراء دادگاههای عمومی و انقلاب در مرکز هر استان دادگاه تجدیدنظر به تعداد مورد نیاز مرکب از یک نفر رئیس و دو عضو مستشار تشکیل میشود . جلسه دادگاه با حضور دو نفر عضو رسمیت یافته پس از رسیدگی ماهوی رای اکثریت که بوسیله رئیس یا عضو مستشار انشا میشود قطعی و لازم الاجرا خواهد بود.

تبصره - رئیس دادگاه تجدیدنظر میتواند رئیس شعبه اول

تعلیقات

- ۶ -

دادگاههای عمومی نیز باشد مگر در مورد احکامی که خود صادر نموده که در این صورت دادرس علی‌البدل به قائم مقامی رئیس رسیدگی خواهد کرد.

ماده ۲۱- مرجع تجدیدنظر آراء دادگاههای عمومی و انقلاب هر شهرستان دادگاه تجدیدنظر مرکز همان استان است مگر در موارد ذیل که مرجع تجدیدنظر آن دیوانعالی کشور خواهد بود.

۱- اعدام و رجم.

۲- قطع عضو و قصاص نفس و اطراف.

۳- مصادره و ضبط اموال.

۴- مجازات حبس بیش از ده سال.

۵- حکمی که خواسته آن از بیست میلیون ریال متجاوز باشد.

۶- احکام راجع به اصل نکاح و طلاق.

۷- احکام راجع به نسب و وقف و حبس و تولیت.

ماده ۲۲- هرگاه از رای دادگاه عمومی و انقلاب در اموری که در صلاحیت دادگاه تجدیدنظر مرکز استان است درخواست تجدیدنظر شود دادگاه مزبور به ترتیب زیر عمل خواهد نمود.

۱- اگر رای دادگاه بمصورت قرار باشد و قرار نقض شود پرونده را برای رسیدگی ماهوی بهمان دادگاه ارجاع میدهد و دادگاه مکلف به رسیدگی ماهوی میباشد.

۲- اگر رای دادگاه بمصورت حکم باشد و حکم مورد تأیید قرار گیرد بمنظور اجراء به دادگاه صادرکننده حکم اعاده میگردد و چنانچه حکم را نقض نماید راساً مبادرت به رسیدگی و انشاء رای خواهد کرد. رای صادره قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود.

تبصره - چنانچه رئیس دادگاه تجدیدنظر ریاست شعبه اول دادگاههای عمومی را عهده‌دار باشد ارجاع توسط دادگاه تجدیدنظر انجام میگیرد و در غیر این صورت پرونده پس از نقض بمنظور ارجاع به نظر رئیس شعبه اول خواهد رسید.

۳- در صورتیکه متهم بی‌گناه شناخته شود حکم را نقض و متهم تبرئه خواهد شد هرچند محکوم‌علیه درخواست تجدیدنظر نکرده باشد.

بسم الله تعالی

- ۷ -

۴- اگر حکم تجدیدنظر خواسته از نظر احتساب محکوم به یا خسارات یا تعیین مشخصات طرفین دعوی یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون و یا نقایص نظیر آنها که متضمن اشتباهی باشد که به اساس حکم لطمه وارد نسازد دادگاه تجدیدنظر یا دیوانعالی کشور که در مقام تجدیدنظر عمل میکند اشتباه را رفع و رای را تأیید خواهد نمود.

تبصره ۱- در امور حقوقی شخصی مرجع تجدیدنظر فقط نسبت به آنچه مورد درخواست تجدیدنظر واقع شده است رسیدگی خواهد نمود و نسبت به آن قسمت که مورد درخواست تجدیدنظر نمی باشد حق رسیدگی و اظهار نظر ندارد.

تبصره ۲- در احکام کیفری مرجع تجدیدنظر نمی تواند مجازات تعزیری مقرر در حکم بدوی را تشدید نماید.

۵- هرگاه در تعیین مجازات سهواً به ماده دیگری استناد شده ولی از این اشتباه تخییری در مجازات حاصل نشده باشد مرجع تجدیدنظر حکم را تأیید و تذکر لازم به دادگاه داده خواهد شد.

ماده ۲۳- دیوانعالی کشور در مورد درخواست تجدیدنظر به ترتیب زیر اقدام می نماید:

۱- اگر حکم مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده باشد آنرا تأیید و جهت اجراء به دادگاه صادرکننده حکم اعاده می گردد.

۲- هرگاه رای از دادگاه فاقد ملاحظیات ذاتی صادر شده باشد برخلاف قانون صادر شده یا رعایت تشریفات قانونی در آن نشده باشد و عدم رعایت تشریفات مذکور به درجه ای از اهمیت باشد که رای را از اعتبار قانونی بیاندازد یا بدون توجه به دلایل یا مدافعات اصحاب دعوی یا بانقص تحقیقات صادر شده باشد رای را نقض و به شرح زیر اقدام می نماید:

الف - اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده است به فرض ثبوت، جرم نباشد یا مشمول عفو عمومی شده باشد یا به جهتی دیگر از جهات قانونی قابل تعقیب نباشد رای نقض بلا ارجاع می گردد.

بتهائی

- ۸ -

ب - اگر رای منقوض، قرار باشد یا حکم بعلت نقص تحقیقات
نقض شود پس از نقض برای رسیدگی مجدد به همان دادگاه صادرکننده
رای ارجاع می‌شود.

ج - اگر رای یا حکم بعلت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض
شود پرونده به دادگاهی که دیوانعالی کشور صالح می‌داند ارجاع و
دادگاه مرجوع الیه مکلف به رسیدگی می‌باشد.

د - در سایر موارد پس از نقض، پرونده به شعبه دیگر دادگاه
(به تشخیص دیوانعالی کشور) ارجاع می‌گردد.

تبصره - در مواردی که دیوانعالی کشور حکم را بعلت نقص
تحقیقات نقض می‌نماید مکلف است کلیه نواقص تحقیقات را
مشروحا ذکر نماید.

ماده ۲۴ - مرجع رسیدگی پس از نقض در دیوانعالی کشور بشرح
ذیل اقدام می‌نماید:

الف - در صورت نقض قرار در دیوانعالی کشور، باید از نظر
دیوان متابعت نماید و وارد رسیدگی ماهوی شود.

ب - در صورت نقض حکم بعلت نقص تحقیقات، باید
تحقیقات مورد نظر دیوان را انجام دهد سپس مبادرت به انشاء حکم
نماید.

ج - در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور دادگاه می‌تواند
رای اصراری صادر نماید اگر یکی از کسانی که حق درخواست تجدیدنظر
دارد تقاضای تجدیدنظر نماید پرونده مجددا در دیوانعالی کشور
مورد بررسی قرار می‌گیرد، هرگاه شعبه دیوانعالی کشور استدلال
دادگاه را بپذیرد حکم را ابرام می‌نماید و در غیر این صورت
پرونده در هیات عمومی شعب حقوقی یا کیفری دیوانعالی کشور حسب
مورد مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوانعالی کشور مورد تایید قرار
گرفت حکم نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع خواهد شد
دادگاه مرجوع الیه با توجه به استدلال هیات عمومی دیوانعالی
کشور حکم مقتضی صادر و این حکم قطعی است.

تبصره - قطعیت حکم در صورتی است که از موارد سه‌گانه

تعالیه

- ۹ -

مذکور در ماده ۱۸ نباشد.

ماده ۲۵ - جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است :

- ۱- ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا دروغ بودن شهادت شهود یا فقدان شرایط قانونی شهادت، درشهود.
- ۲- ادعای مخالف بودن رای با قانون.
- ۳- ادعای عدم صلاحیت دادگاه یا عدم صلاحیت قاضی صادرکننده رای.

۴- ادعای عدم توجه قاضی به دلائل یا مدافعات.

تبصره - اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده بعمل آمده باشد مرجع تجدیدنظر در صورت وجود جهتی دیگر میتواند به آن جهت هم رسیدگی نماید.

ماده ۲۶- در موارد مذکور در این قانون اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر را دارند:

۱- در مورد احکام حقوقی:

هریک از طرفین دعوا یا نماینده قانونی یا قائم مقام آنان مانند وراث، وصی، انتقال گیرنده که از رای دادگاه متضرر میشود.

۲- در مورد احکام کیفری:

الف - محکوم علیه یا نماینده قانونی او.

ب - شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او.

۳- در مورد قرارها:

هریک از طرفین دعوی که قرار دادگاه به ضرر او صادر شده باشد یا نماینده قانونی آنان.

ماده ۲۷ - مهلت درخواست تجدیدنظر در موارد مذکور در

ماده ۱۹ برای اشخاص ساکن ایران ۲۰ روز و برای کسانی که خارج از کشور میباشند ۲ ماه از تاریخ ابلاغ رای میباشد.

ماده ۲۸- متقاضی تجدیدنظر باید دادخواست و یا درخواست خود را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه صادرکننده رای و یا دفتر بازداشتگاهی که در آنجا توقیف است تسلیم نماید.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پوست

بسمه تعالی

- ۱۰ -

مدیر دفتر دادگاه یسابازداشتگاه باید بلافاصله آن را مثبت و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی و طرف دعوی و تاریخ تسلیم و ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و در روی کلیه برگهای دادخواست یا درخواست تجدیدنظر همان تاریخ را قید نماید. این تاریخ، تاریخ تجدیدنظرخواهی محسوب می‌گردد.

دفتر بازداشتگاه مکلف است که پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر بلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رای ارسال نماید دفتر دادگاه صادرکننده رای در صورتی که تقاضای تجدیدنظر در مهلت قانونی باشد پس از تکمیل پرونده بلافاصله آنرا به مرجع تجدیدنظر ارسال می‌دارد. تبصره ۱- دادگاه باید در ذیل رای خود قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن رای و مرجع تجدیدنظر آن را معین نماید.

تبصره ۲- هرگاه نزد دادگاه تجدیدنظر ثابت شود که به علت قوه قهریه امکان استفاده از حق تجدیدنظرخواهی در مهلت‌های مقرر نبوده است، ابتدای مهلت از تاریخ رفع قوه قهریه خواهد بود.

تبصره ۳- متقاضی تجدیدنظر در آراء کیفری باید مبلغ ده هزار ریال بابت هزینه دادرسی بپردازد و در آراء حقوقی هزینه دادرسی برابر مقررات آیین دادرسی مدنی خواهد بود.

ماده ۲۹- متقاضی تجدیدنظر باید تمام علل و جهات تقاضای خود را در دادخواست یا درخواست تجدیدنظر تصریح نماید مگر اینکه آن جهت بعدا حادث شده باشد که در صورت اخیر می‌تواند برابر مقررات اعاده دادرسی اقدام کند.

ماده ۳۰- در صورتی که تقاضای تجدیدنظر ظرف مهلت مقرر داده شده باشد چنانچه براجرای آن فساد مترتب باشد اجرای حکم در امور کیفری تا اتخاذ تصمیم مرجع تجدیدنظر متوقف خواهد شد.

ماده ۳۱- محکوم علیه می‌تواند احکام قطعیت یافته هر یک از محاکم را که قابل تجدیدنظر بوده از تاریخ ابلاغ حکم تا یک ماه از دادستان کل کشور درخواست رسیدگی بنماید. دادستان کل کشور در صورتی که حکم را مخالف بین با شرع یا قانون تشخیص دهد از دیوان عالی کشور درخواست نقض می‌نماید. دیوان عالی کشور در صورت

تعالی

- ۱۱ -

نقض حکم رسیدگی را به دادگاه هم عرض ارجاع می‌دهد. رای دادگاه در غیر موارد مذکور در ماده ۱۸ غیرقابل اعتراض و تجدیدنظر است.

ماده ۳۲ - تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوی مطروحه با همان دادگاهی است که قانوناً مکلف به رسیدگی به پرونده بوده است.

ماده ۳۳ - در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه ذیصلاح ارسال می‌نماید، چنانچه دادگاه مرجوع الیه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد پرونده جهت حل اختلاف توسط دادگاه مرجوع الیه به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌شود.

تبصره - در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاههای دو حوزه قضایی از دو استان باشد مرجع حل اختلاف دیوانعالی کشور خواهد بود.

ماده ۳۴ - از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون رئیس قوه قضائیه مکلف است حداکثر ظرف مدت پنج سال با تشکیل تدریجی دادگاههای عمومی و انحلال دادرهای عمومی و انقلاب و اتخاذ تصمیمات ضروری در زمینه تعلیم و تربیت نیروی قضائی واجد شرایط موجبات اجرای این قانون را در سراسر کشور فراهم نماید.

ماده ۳۵ - دادگستری مجاز است به منظور تکمیل اعضاء دفتری دادگاههای عمومی و انقلاب نسبت به استخدام کارمند اداری به تعداد لازم اقدام کند اجازه مذکور صرفاً برای تشکیلات مربوط به دادگاههای عمومی است.

ماده ۳۶ - دولت مکلف است در اسرع وقت امکان تهیه وسائل و تجهیزات لازم دادگاههای عمومی از قبیل محل استقرار، ملزومات و وسائل نقلیه و دیگر لوازم و وسائل را فراهم کند و اعتبار لازم مربوطه برای این وسائل و تجهیزات را در اختیار دادگستری قرار دهد.

ماده ۳۷ - آیین نامه اجرائی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۳۸/۲۴۸۵

تاریخ ۳۱/۳/۷۳

پوست

بیت

- ۱۲ -

ماده ۳۸ - از تاریخ تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب در هر حوزه قضائی کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن در همان حوزه لغو می‌گردد.
لایحه فوق مشتمل بر سی و هشت ماده و بیست تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و پنجم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. ب.

علی اکبر ضابط‌نوری
رئیس مجلس شورای اسلامی

۷۳،۳،۳۱